



هرگز فکر نمی‌کردم غیر از مذهب جعفری مذهب اسلامی دیگری در ایران تدریس شود

سخنرانی دکتر احمد حسون

مفتی اعظم کشور سوریه

در جمع هیأت اعرابی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی به کشور سوریه

ترجمه و تنظیم: زهره توکالی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

اشاره

در عصر حاضر، که مسلمانان و اعراب از زیر سلطه استعمار غرب خارج شده اند و به خود کفایی رسیده‌اند و علاوه بر آن قومیتها و گروههای اسلامی زیادی وجود دارد بنابراین، وحدت جهان اسلام بیش از گذشته، امری ضروری است تا بتوانیم در برابر پدیده جهانی شدن و بسیاری از مشکلات دیگر جهان امروز ایستادگی کنیم؛ زیرا این پدیده در صدد نابودی تمدن؛ دین؛ فرهنگ؛ زبان؛ هویت و حتی فکر و روح و ارزشهای جوامع اسلامی است. بر این اساس چنین دیدارهایی با حضور اندیشمندان مذاهب اسلامی برای تحقق نهایی وحدت اسلامی بسیار مهم و ضروری خواهد بود. در حال حاضر، جمهوری اسلامی ایران دارای تنوع دینی و مذهبی زیادی است اما با تمام این تنوع، رهبران دینی و روحی این کشور توانسته‌اند این تنوع را به درستی با یکدیگر ترکیب نمایند و تمامی تلاشهای خود را

در خلال سفر هیأت اعزامی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی به کشور سوریه برای شرکت در کنفرانس وحدت در این کشور با موضوع «العلاقات الانسانیة» دیدارهایی با شخصیت‌های برجسته مذهبی و صاحب‌نظران فرهنگی صورت پذیرفت. یکی از این ملاقاتها، برنامه دیدار با دکتر احمد حسون مفتی اعظم کشور سوریه بود. ایشان در این دیدار صمیمانه با تأکید بر ارجمندی نقش متولیان مقوله تقریب، درباره طبیعی بودن اختلاف نظر در تعالیم و احکام اسلامی و ضرورت بازگشت دوباره به اصول اسلام حقیقی و پرهیز از تکفیرهای بی اساس، به بحث و تبادل نظر پرداخته‌اند. آنچه در ادامه می‌خوانید مشروح سخنان ایشان در این نشست صمیمی است.



با رواج و گسترش
دین در جوامع
بشری، فرهنگ
و تمدن، رسالت
اخلاقی و روحی
خود را شناخت. در
عصر حاضر نیز باید
ارزش و بهای واقعی
دینی و روحی را
به فرهنگ و تمدن
بشر اعطا کرد تا
انسان نیز با تمسک
به این فرهنگ و
تمدن به موجودی
متقی و پرهیزگار
تبدیل شود



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

در همین راستا به کار گرفته‌اند.

در حال حاضر شاهد پدیده‌ای نادر در تاریخ بشریت هستیم و آن اینکه در واقع پیشرفت و تکنولوژی در تمامی جنبه‌های زندگی بشر ریشه دوانیده و وی را تسخیر کرده است. در گذشته ایجاد ارتباط با یکدیگر و مسافرت به شهرهای مختلف برای آشنایی با فرهنگ و آداب و رسوم، امری دشوار و طاقت فرسا بود، اما امروزه این امر به راحتی انجام می‌شود.

ما در حال حاضر باید مانند امت مسلمانان و برادران دینی با یکدیگر رفتار کنیم و باتوجه به فرمایش امام علی (ع) که می‌فرمایند: دوستان تو یا بردران دینی تو هستی یا برادران انسانی تو (اخ لک فی الدین او اخ لک فی الانسانیه) بنابراین باید از دیدگاه انسانی به نوع بشر نگاه کرده و همچنین با اهتمام به آیه شریفه «ان اکرمکم عندالله اتقاکم» بدانیم که ارزش هر انسان باتوجه به تقوای الهی سنجیده خواهد شد و این تقوا در رفتار پیامبر(ص) به خوبی نمایان است.

در حال حاضر ما به عنوان رهبرانی دینی از مکتب و مذهبی واحد رشد کرده و خارج شده‌ایم و باید جهان شمولی را هدف اصلی خود قرار دهیم و بدانیم این اصطلاح با مفهوم جهانی شدن متفاوت بوده است و هر یک از این دو، معانی مختلفی را در برمی‌گیرند. جهانی شدن به معنای محو هرچه غیر از خود است، امام‌نظور از جهان شمولی، ترکیب بایکدیگر و یکی شدن است. بنابراین، مسلمانان نیز باید با تمسک به آیه «الحمد لله رب العالمین و ما ارسلناک الا راحمه للعالمین» جهان شمولی، جمع شدن و یکی شدن با برادران انسانی خود را بدون توجه به مذهب، زبان و ملیت هدف قرار دهند تا بتوانند به راحتی در برابر تمامی



هجمه‌های تبلیغاتی و فرهنگی ایستادگی نمایند و تمامی توطئه‌های برنامه ریزی شده جهان غرب را خنثی نمایند.

عصر حاضر را می‌توان جنگ تمدن‌ها نامید بنابراین، برای مواجهه شدن با این پدیده باید این امر را بپذیریم که تمدن انسان در اصل، منشا واحدی داشته است؛ چرا که از انسانیت و نوعیت بشر سرچشمه گرفته و خود انسان نیز دارای هستی واحدی بوده و تنها تفاوت در فرهنگها منجر به اختلاف میان انسانها شده است و این تفاوت در فرهنگ، با تعبیری همچون: فرهنگ عرب؛ فارس؛ اروپایی؛ کردی؛ مغولی؛ تاتاری و چینی خوانده می‌شود.

من همواره به نوعیت بشر معتقد بوده و هستم و چندی پیش نیز درباره کاشفان کره ماه گفتم: نباید بگوییم شخصی آمریکایی یا روسی این کره را کشف کرد؛ بلکه باید بگوییم انسان موفق به سفر به کره ماه و کشف بسیاری از پدیده‌های طبیعی شده است؛ زیرا آمریکا و روسیه نیز دارای تنوع قومیت‌هاست و تنها اشتراک آنها در انسان بودن است؛ حتی در سفرهای سیاحتی به کشورهای مختلف همچون: ایران و سوریه و بازدید از اماکن تاریخی، باستانی و دینی این مناطق می‌توان به این نکته مهم و اساسی پی برد که انسان سازنده تمامی این جاذبه‌ها بوده و قومیت انسانها در آن بی‌تأثیر بوده است و پیامبر (ص) نیز در این باره می‌فرماید: «بهشت مشتاق سلمان، عمار، ابی طالب و بلال است» و این حدیث بیانگر این است که درهای بهشت برای تمامی انسانها متقی و پرهیزگار باز است و قومیت و نژاد در این امر هرگز تأثیرگذار نخواهد بود.

فرهنگهای گوناگون، همواره عامل اساسی ایجاد تمدن بشری بوده است و دین نیز با گسترش در میان انسانها موجب ارزش و بهادادن به تمدن گردید و بدون داشتن ارزش و بهادادن، تمدن بشری سود و فایده‌ای قائل شد. بنابراین، با رواج و گسترش دین در جوامع بشری، فرهنگ و تمدن، رسالت اخلاقی و روحی خود را شناخت. در عصر حاضر نیز باید ارزش و بهای واقعی دینی و روحی را به فرهنگ و تمدن بشر اعطا کرد تا انسان نیز با تمسک به این فرهنگ و تمدن به موجودی متقی و پرهیزگار تبدیل شود، زیرا در حال حاضر بسیاری از درگیریهایی میان بشر از نبود فرهنگی غنی با ذات روحی و اسلامی نشأت گرفته است.

امروز ما با جنگی بزرگ تر و قوی تر از جنگ بمب و گلوله مواجه هستیم و این جنگ، همان جنگ تمدن، فرهنگ و علم است که باید با تمسک به ارزشهای اخلاقی و اسلامی اصیل با آن به مبارزه پرداخت تا به پیروزی نهایی منجر شود و آینده‌ای روشن برای خود ترسیم نماییم.

با ورود به ایران هرگز فکر نمی‌کردم غیر از مذهب جعفری، مذهب اسلامی دیگری در این کشور تدریس شود، اما بعدها فهمیدم که بیشتر مذاهب اسلامی در این کشور مهم است و در دانشگاه‌های بزرگی همچون: دانشگاه امام صادق (ع) کتاب فصوص الحکم تدریس می‌شود. با توجه به گسترش تندروریهای اسلامی همچون وهابیت، باید میانه روی پیشه کرد و با تمسک به آیه شریفه «انا جعلناکم امة وسطا» گام برداریم.

دین، واحد است و تنها شریعت‌ها با یکدیگر متفاوت هستند. همه این گونه فکر می‌کنند که اسلام را به درستی فهمیده اند، اما این در حالی است که پیروان هر یک از مذاهب اسلامی هر یک بخشی از حقیقت اسلام را درک کرده و هرگز تصویر کامل اسلام حقیقی را درک نکرده‌اند و این شریعت‌های مختلف، منجر به درگیریهایی میان پیروان شده است.

اختلاف تنها در عقیده وجود دارد و مذاهب پنج گانه، هر یک به نوعی از تعالیم

امروز ما با جنگی بزرگ تر و قوی تر از جنگ بمب و گلوله مواجه هستیم و این جنگ، همان جنگ تمدن، فرهنگ و علم است که باید با تمسک به ارزشهای اخلاقی و اسلامی اصیل با آن به مبارزه پرداخت تا به پیروزی نهایی منجر شود و آینده‌ای روشن برای خود ترسیم نماییم





اسلامی بهره‌مند شده‌اند؛ به گونه‌ای که احکامی که در مذهب مالکی مستحب است، ممکن است مسلمانان شافعی آن را واجب بدانند و برعکس بنابراین، تنها شرایع و مذاهب مصدر درگیری و اختلاف است و دین و عقیده یکی است. پس اگر معنای آیه «و من آیاته اختلاف السننکم و الوانکم» به درستی درک شود، اختلاف به ضرر هیچ مذهبی نخواهد بود؛ بلکه امری طبیعی و الهی به شمار می‌آید.

در اینجا به شرح معنای اختلاف و خلاف می‌پردازیم به نظر من این دو با یکدیگر متفاوتند و اختلاف همان درگیری و به عبارتی دیگر، نوعی ابداع و نوآوری است، اما خلاف امری حرام است.

اختلاف یعنی هر شخصی، عقیده و مذهبی جداگانه دارد، اما تمامی این عقاید و مذاهب در یک راستا حرکت می‌کنند و سرانجام به هم می‌رسند و یکی خواهند شد و به نفع اسلام خواهد بود، اما خلاف، حرکت هر یک از عقاید و مذاهب به جهتهای متفاوت است و سرانجام آن جدایی و به ضرر اسلام خواهد بود.

وظیفه ما این است که مذاهب اسلامی همچون زیدیه و اسلامیه را به اصل اسلام حقیقی بازگردانیم و نباید حتی به دلیل تکفیری بودن، آنها را از خود برانیم بلکه در این راه آیه «لا تکلف نفسا الا وسعها» را الگو قرار دهیم.

در قرآن کریم بارها بر انسانیت انسانها تأکید شده است و سوره‌ای به نام انسان و آیه «اقرا باسم ربک الذی خلق، خلق الانسان من علق» و بسیاری از آیات دیگر انسانیت و نوعیت بشر را به تصویر کشیده است.

مذاهب اسلامی همچون تعداد انگشتان دست انسان است که از مچ نشأت گرفته و قلب واحدی دارند. مذاهب اسلامی نیز این گونه‌اند و اسلام همان قلب و منشأ واحد آنها است.

وحدت اسلامی نباید تنها شعاری سیاسی باشد که آن را در تمامی کنفرانسها و دیدارها مطرح کنیم و برای عملی شدن آن در سایه اسلام حقیقی گام برداریم.

ما امتی هستیم که خداوند درباره آن می‌فرماید: «اقرا باسم ربک الذی خلق» به نام پروردگارت بخوان نه به نام منهج یا مذهب خاصی و حتی ۷ میلیارد انسان نیز باید این آیه را بخوانند تا عظمت الهی آن را درک کنند و باید به قرآن به عنوان منبعی واحد و عاملی مهم در وحدت جهان اسلام نگریست و به صورت عملی، آموزه‌های این کتاب را به اجرا درآورد.

وظیفه ما این است
که مذاهب اسلامی
همچون زیدیه و
اسلامیه را به اصل
اسلام حقیقی
بازگردانیم و نباید
حتی به دلیل
تکفیری بودن، آنها
را از خود برانیم
بلکه در این راه
آیه «لا تکلف نفسا
الا وسعها» را الگو
قرار دهیم